



دانشگاه علوم پزشکی خدمات
بهداشتی درمانی استان زنجان

معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی زنجان

برنامه جامع عملیاتی استقرار واحد اثرگذاری اجتماعی در دانشگاه علوم

پزشکی زنجان

(Social Impact Unit)

بخش اول: کلیات

۱-۱- مقدمه

در دنیای امروز، پژوهش‌های علمی و اجتماعی به عنوان عوامل کلیدی در توسعه پایدار، بهبود کیفیت زندگی و ارتقاء سلامت جامعه شناخته می‌شوند. در این راستا، گرایش به همسویی هرچه بیشتر پژوهش‌ها با نیازهای واقعی جامعه، اهمیت ویژه‌ای یافته است. این هدف مستلزم طراحی و اجرای برنامه‌های تحقیقاتی مؤثر، نظام‌مند و پاسخگو است تا بتواند نقش موثری در حل مسائل ملی و محلی ایفا کند.

در قالب تحول نظام سلامت و در چارچوب اهداف و مأموریت‌های کلان معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی زنجان، این معاونت اقدام به طراحی و پیاده‌سازی پلتفرم هوشمند و یکپارچه مدیریت تحقیقات علوم پزشکی (در حوزه‌های پایه و بالینی) کرده است. این نظام تحولی، بر اساس سه محور اصلی استوار است (شکل-۱) که هر یک نقش کلیدی در ارتقاء کارآمدی و اثرگذاری تحقیقات دارند:



شکل ۱- محوره‌های اصلی نظام تحولی معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی زنجان

۱-۱-۱- واحد هوش پژوهشی (Research Intelligence Unit - RIU):

وظیفه این واحد ایجاد سیستم‌های مدیریت هوشمند و مبتنی بر داده است، تا با جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات مرتبط با پژوهش‌ها، قابلیت تصمیم‌گیری سریع، دقیق و مبتنی بر شواهد فراهم شود. این سیستم، نقش

مرکز ثقل در هدایت تحقیقات به سمت اولویت‌های تعیین‌شده، تخصیص منابع بهینه و نظارت بر روند انجام پروژه‌ها را دارد.

۱-۱-۲- واحد اثرگذاری اجتماعی (Social Impact Unit - SIU):

مأموریت این واحد تمرکز بر تاثیرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بهداشتی پژوهش‌ها بر جامعه است. این بخش با ارزیابی نیازهای واقعی مردم و نیازسنجی نظام‌مند در سطوح مختلف جامعه، سعی در هدایت پژوهش‌ها به سمت ارتقاء شاخص‌های توسعه انسانی، عدالت اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی دارد. نمونه‌ای از فعالیت‌های این واحد شامل تحلیل جامعه‌پذیری، برقراری ارتباط مؤثر با ذینفعان و ارزیابی اثرات اجتماعی پروژه‌های پژوهشی است.

۱-۱-۳- واحد اثرگذاری جهانی (Global Impact Unit - GIU):

این واحد بر توسعه و گسترش تحقیقات در عرصه بین‌المللی تمرکز دارد. هدف آن بهره‌مندی از فرصت‌های همکاری‌های بین‌المللی، بهره‌گیری از دانش جهانی، و ارتقاء جایگاه پژوهش‌های دانشگاه در سطح جهان است. فعالیت‌های این واحد شامل ستادهای همکاری، فعالسازی شبکه‌های بین‌المللی، و استانداردسازی پژوهش‌ها مطابق با معیارها و نیازهای جهانی است.

پروپوزال حاضر، برنامه‌ای جامع و منسجم برای راه‌اندازی و توسعه «واحد اثرگذاری اجتماعی» در ساختار معاونت تحقیقات است. این واحد به‌عنوان یک ساختار ستادی و کارشناسی، با تکیه بر تحلیل نیازهای ملی و استراتژی‌های توسعه، سهم مهمی در هدایت پژوهش‌ها به سمت اولویت‌های ملی ایفا می‌کند. مأموریت اصلی این واحد شامل انجام نیازسنجی نظام‌مند در سطوح مختلف جامعه، تحلیل اولویت‌های ملی و حمایت از پژوهش‌هایی است که بیشترین تأثیر را بر ارتقاء سلامت، رفاه و توسعه پایدار کشور دارند.

در نتیجه، این پروژه نه تنها باعث هماهنگی بهتر میان نیازهای جامعه و فعالیت‌های پژوهشی می‌شود، بلکه با تمرکز بر اثرگذاری اجتماعی و جهانی، نقش مهمی در ارتقاء شاخص‌های توسعه و رفع چالش‌های ملی و منطقه‌ای ایفا می‌نماید.

۱-۲- بیان مسئله

در عصر اطلاعات و فناوری، پژوهش‌ها به‌عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه اجتماعی، علمی و اقتصادی کشورها مطرح هستند. پژوهشگران در طیف وسیعی از رشته‌ها، از علوم انسانی و اجتماعی گرفته تا علوم پزشکی، مهندسی و علوم پایه، با هدف تولید علم و دانش و یافتن راهکارهای نوآورانه برای حل چالش‌های مختلف، تلاش می‌کنند. این چالش‌ها شامل مسائل اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، و حتی مسائل پیچیده جهانی مانند تغییرات اقلیمی و بحران‌های بهداشتی هستند. با این وجود، یک شکاف اساسی و نگران‌کننده میان نتایج پژوهش‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و نیازهای واقعی جامعه وجود دارد. این شکاف، که اغلب به‌عنوان «شکاف علم و عمل» یا «شکاف علمی (Science-Creation Gap)» شناخته می‌شود، تأثیر مستقیم و منفی بر اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌ها دارد.

این شکاف ریشه در چندین عامل دارد. اولاً، پژوهش‌ها معمولاً در چهارچوب‌های آکادمیک و علمی انجام می‌شوند که ممکن است از نیازهای واقعی جامعه و چالش‌های عملی فاصله داشته باشند. متدهای تحقیق، اهداف پژوهشی و حتی زبان تخصصی به کار رفته در پژوهش‌ها ممکن است با زبان و نیازهای مخاطبان غیرآکادمیک، مانند سیاست‌گذاران، مدیران و عموم مردم، متفاوت باشد.

ثانیاً، فرآیند انتقال دانش از محیط دانشگاهی به عرصه‌های عملی اغلب ناکارآمد است. کمبود ارتباط و همکاری بین محققان، سیاست‌گذاران، و بخش‌های خصوصی می‌تواند باعث شود که یافته‌های پژوهشی به درستی درک و به کار گرفته نشوند.

علاوه بر این، کمبود منابع مالی و زیرساخت‌های مناسب، عدم وجود سیستم‌های مؤثر برای ارزیابی و اعتبارسنجی پژوهش‌ها، و همچنین فقدان انگیزه کافی برای کاربردی کردن نتایج پژوهش، از دیگر عوامل مؤثر در ایجاد این شکاف هستند. این عوامل به طور کلی منجر به عدم تطابق بین پژوهش‌ها و نیازهای جامعه شده و مانع از بهره‌برداری حداکثری از پتانسیل پژوهشی می‌شود. در نتیجه، پژوهش‌ها به جای آنکه راهکاری برای حل مسائل باشند، در انبار اطلاعات باقی می‌مانند و تأثیری قابل توجه بر بهبود زندگی مردم ندارند.

برای برطرف کردن این شکاف و افزایش اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌ها، نیازمند استراتژی‌های نوآورانه و جامع هستیم. این راهکارها باید شامل ارتقای ارتباط بین محققان و سیاست‌گذاران، ایجاد پل‌های ارتباطی بین دانشگاه و صنعت، توسعه سیستم‌های ارزیابی و اعتبارسنجی پژوهش‌ها بر اساس نیازهای جامعه، و افزایش سرمایه‌گذاری در تحقیقات کاربردی باشند. همچنین، آموزش و آگاهی‌بخشی به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان در مورد

اهمیت پژوهش‌ها و نحوه استفاده از یافته‌های پژوهشی ضروری است. در نهایت، نیاز به ایجاد محیطی حمایتی و انگیزشی برای پژوهشگران وجود دارد تا بتوانند نتایج پژوهش‌های خود را به صورت مؤثر در جامعه عملی کنند.

۱-۳- اهمیت موضوع

چرا استقرار واحد اثرگذاری اجتماعی یک ضرورت راهبردی است؟

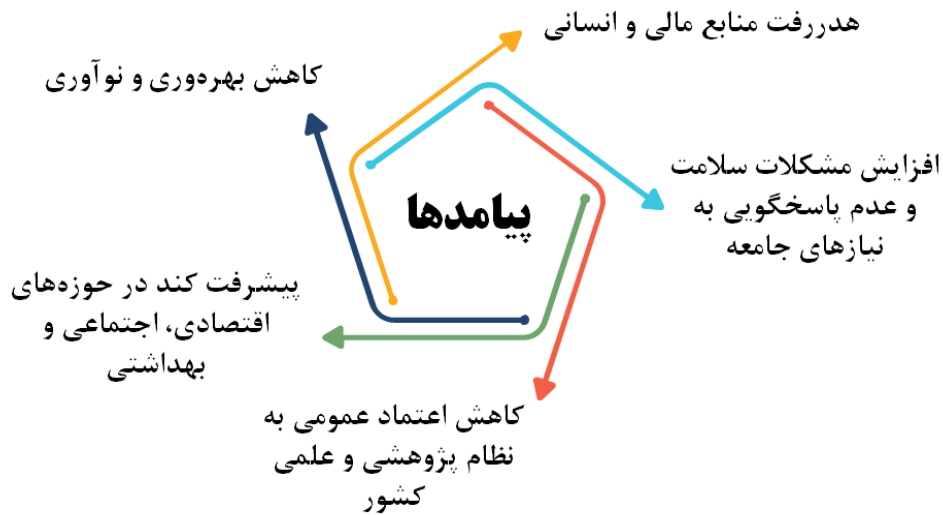
چرا استقرار واحد اثرگذاری اجتماعی یک ضرورت راهبردی است؟

الف) بحران عدم انطباق پژوهش‌ها با نیازهای واقعی جامعه

آمارهای هشداردهنده

بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت (WHO, 2023)، فقط حدود ۱۸٪ از پژوهش‌های حوزه سلامت در کشورهای در حال توسعه منجر به سیاست‌گذاری یا اقدامات عملی می‌شوند. این رقم نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها صرفاً در حد تولید علم باقی مانده و نتوانسته است در حل مسایل واقعی و نیازهای مهم جامعه اثرگذار باشد. این شکاف بین تولید دانش و کاربرد آن، به ویژه در کشورهایی که با محدودیت‌های منابع و چالش‌های عمده بهداشتی و اجتماعی روبه‌رو هستند، بحران‌آفرین است.

در ایران، هم شاهد نمونه‌های ملموس‌تری از این بحران هستیم. مطالعات نشان می‌دهد که حدود ۶۵٪ از پایان‌نامه‌های علوم پزشکی صرفاً جنبه نظری داشته و هیچ‌گاه در عمل، در بهبود وضعیت سلامت مردم مورد استفاده قرار نمی‌گیرند (منبع: مجله پزشکی ایران، ۱۴۰۲). این وضعیت یعنی میلیون‌ها دلار و هزاران ساعت تحقیق صرف موضوعاتی می‌شود که تأثیر مستقیم و عملی بر روی زندگی مردم ندارند، در حالی که نیازهای بحرانی و فوری جامعه مانند پیشگیری از بیماری‌ها، بهبود زیرساخت‌های سلامت، یا یافتن راهکارهای عملی برای مشکلات بهداشتی، به طور کامل نادیده گرفته می‌شود. پیامدهای حاصل از این شکاف در شکل ۲ آورده شده است که در ادامه به تفصیل شرح داده خواهد شد.



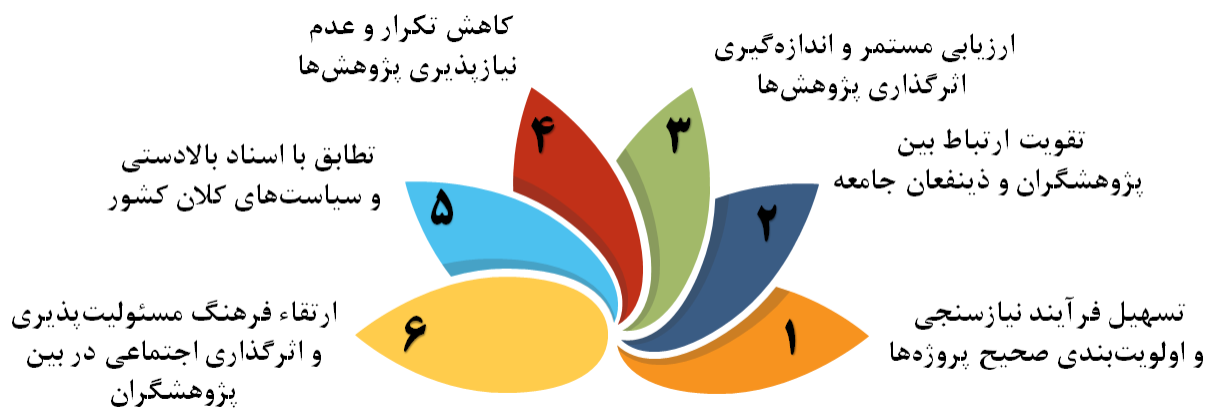
شکل-۲- پیامدهای ناشی از شکاف بین تولید دانش و کاربرد آن برای جامعه

- **هدررفت منابع مالی و انسانی:** میلیاردها تومان بودجه از طریق پروژه‌های بی‌نتیجه، تکراری و غیرضروری هدر می‌رود. این منابع که می‌توانست در پروژه‌های عملی و مؤثر صرف شود، صرفاً در قالب نتایج کم‌اثر و نامناسب، تلف می‌شوند.
- **افزایش مشکلات سلامت و عدم پاسخگویی به نیازهای جامعه:** پژوهش‌های بی‌ارتباط با مشکلات واقعی، راه‌حل‌های عملی مؤثر نمی‌تواند ارائه دهد. مثلاً، در غیاب پژوهش‌های هدفمند در زمینه بیماری‌های شیوع‌دار مانند دیابت یا فشار خون، برنامه‌های پیشگیری و درمان بهتر نمی‌تواند توسعه یابد و بار این بیماری‌ها در جامعه افزایش می‌یابد.
- **کاهش اعتماد عمومی به نظام پژوهشی و علمی کشور:** وقتی نتایج پژوهش‌ها کاربردی نیست یا در زندگی مردم تأثیر نمی‌گذارد، اعتماد آنان به تحقیقات علمی کاهش می‌یابد، در نتیجه حمایت مالی و اجتماعی کاهش می‌یابد.

- پیشرفت کند در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی: نبود ارتباط موثر میان دانشگاه‌ها و جامعه، باعث می‌شود که پژوهش‌ها نتوانند نقش مؤثر در توسعه اقتصادی، اصلاح سیاست‌ها و بهبود سطح رفاه اجتماعی ایفا کنند.
- کاهش بهره‌وری و نوآوری: پژوهش‌هایی که نتوانند نیازهای جامعه را برطرف کنند، نه تنها بی‌اثرند، بلکه مانع از ایجاد نوآوری‌های بر پایه نیازهای واقعی می‌شوند، و توسعه پایدار را مختل می‌سازند.

۱-۴- ضرورت ایجاد واحد اثرگذاری اجتماعی و پیامدهای آن

در چنین وضعیتی، نیاز است که نظام پژوهشی کشور به سمت تمرکز بر ایجاد واحد اثرگذاری اجتماعی حرکت کند. این واحد می‌تواند کارایی و ارتباط پژوهش‌ها با نیازهای واقعی جامعه را ارتقاء دهد و نتیجه آن، بهبود و توسعه بخشیدن به عملکرد نظام سلامت، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور باشد. دلایل اصلی اهمیت استقرار این واحد در شکل ۳- آورده شده است که در ادامه توضیح داده خواهد شد.



شکل ۳- دلایل اصلی اهمیت استقرار واحد واحد اثرگذاری اجتماعی در دانشگاه علوم پزشکی زنجان

- تسهیل فرآیند نیازسنجی و اولویت‌بندی صحیح پروژه‌ها: این واحد می‌تواند با همکاری سازمان‌های دولتی، نهادهای غیردولتی، مراکز علمی و فناوری، نیازهای واقعی جامعه را شناسایی و پروژه‌های تحقیقاتی را بر اساس اولویت‌های اساسی هدایت کند.
 - تقویت ارتباط بین پژوهشگران و ذینفعان جامعه: این واحد، نقش پلی را دارد که میان دانشگاه، صنعت، جامعه و سیاست‌گذاران رابط برقرار می‌کند، تا نتایج تحقیقات در عمل قابل استفاده باشد و اثرگذاری آنها محرز شود.
 - ارزیابی مستمر و اندازه‌گیری اثرگذاری پژوهش‌ها: با طراحی شاخص‌های اثربخشی، می‌توان فاصله میان هدف‌گذاری و تحقق آن‌ها را کم کرد و مطمئن شد که نتایج پژوهش‌ها به حل مشکلات واقعی منجر می‌شود.
 - کاهش تکرار و عدم نیازپذیری پژوهش‌ها: از طریق تمرکز بر نیازهای واقعی، پروژه‌های تحقیقاتی تکراری و بی‌ثمر کاهش می‌یابد و منابع ملی بهتر، در پروژه‌های با بازده بالا، صرف می‌شود.
 - ارتقاء فرهنگ مسئولیت‌پذیری و اثرگذاری اجتماعی در بین پژوهشگران: پژوهشگران و دانش‌آموختگان، در محیطی تشویق می‌شوند نتایج پژوهش‌های خود را در فرآیندهای عمل و سیاست‌گذاری به کار گیرند.
 - تطابق با اسناد بالادستی و سیاست‌های کلان کشور: این واحد، می‌تواند نقش مهمی در تحقق اهداف مربوط به برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایفا کند، چرا که تمام این اسناد بر پایه نیازسنجی و اولویت‌بندی قرار دارند.
- در نتیجه، استقرار واحد اثرگذاری اجتماعی نه تنها به عنوان یک ابزار مدیریتی، بلکه به عنوان یک الزام راهبردی، کلید توسعه پایدار و افزایش کیفیت زندگی است. این واحد، می‌تواند مسیر حرکت پژوهش‌ها را تغییر دهد و اطمینان حاصل کند که هر قدم پژوهشی، مستقیم یا غیرمستقیم، منجر به بهبود وضعیت زندگی، سلامت و رفاه عمومی می‌شود.

۱-۵-اهداف کلی و جزئی

۱-۵-۱-هدف کلی:

تبدیل پژوهش‌های علوم پزشکی (پایه و بالینی) به محرک توسعه سلامت ملی

۱-۵-۲-اهداف اختصاصی

۱. شناسایی اولویت‌های پژوهشی بر اساس نیازهای جامعه

۲. هدایت تحقیقات به سمت موضوعات اثرگذار

۳. ارزیابی نتایج پژوهش‌ها بر جامعه

۴. ساختار سازمانی

جایگاه واحد:

- مستقر در معاونت تحقیقات

۳-۵-۱-تیم تخصصی:

۱. گروه نیازسنجی

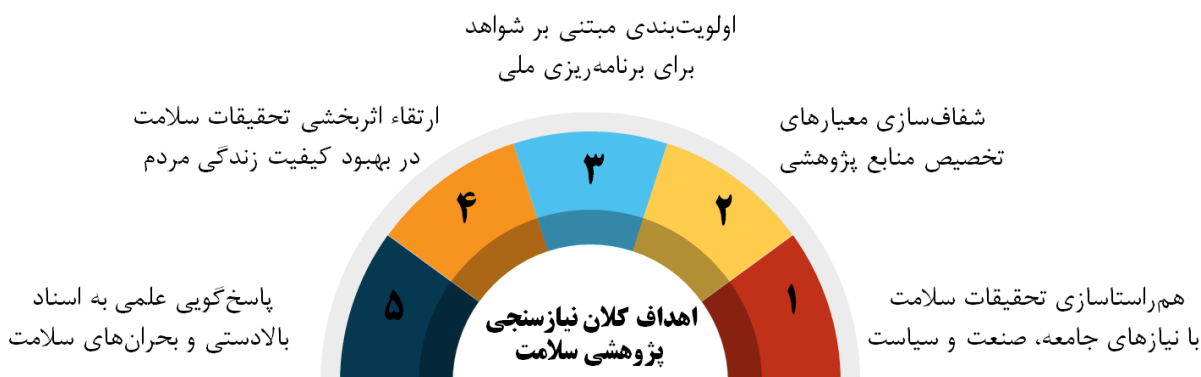
۲. گروه ارزیابی اثرگذاری

۳. گروه ارتباطات علمی

بخش دوم: برنامه عملیاتی

۲-۱- مقدمه

نیازسنجی پژوهشی فرآیندی نظام‌مند، مبتنی بر شواهد و مشارکت‌محور است که با هدف شناسایی، تحلیل و اولویت‌بندی موضوعات راهبردی در حوزه سلامت انجام می‌شود. اجرای سالانه این فرآیند موجب هم‌راستاسازی منابع تحقیقاتی با نیازهای واقعی جامعه، ارتقاء بهره‌وری سرمایه‌گذاری پژوهشی، و تقویت حکمرانی علمی مبتنی بر داده خواهد شد. دو خروجی کلیدی این نیازسنجی شامل «گزارش سالانه اولویت‌های پژوهشی» و «شاخص نیاز پژوهشی ملی (NRNI)» هستند که در ادامه شرح داده می‌شوند. اهداف کلان نیازسنجی پژوهشی سلامت در شکل ۴ آورده شده است:



شکل ۴- اهداف کلان نیازسنجی پژوهشی سلامت

۲-۲- گزارش سالانه اولویت‌های پژوهشی

۲-۲-۱- نقش و اهمیت:

این گزارش، سند مرجع سیاست‌گذاری پژوهش‌های سلامت در کشور است و با رویکرد تحلیلی و آینده‌نگر، موضوعات دارای اولویت را به صورت نظام‌مند شناسایی و معرفی می‌کند. این گزارش در فرآیند تصویب پروژه‌ها، تدوین فراخوان‌ها و تخصیص اعتبارات پژوهشی مورد استفاده نهادهای تصمیم‌گیر قرار می‌گیرد.

۲-۲-۲- ساختار محتوایی گزارش:

الف) تحلیل نیازهای سلامت جامعه:

• مبنای اولویت بندی بیماری ها:

- بار بیماری
- میزان شیوع و مرگ و میر (براساس داده های اپیدمیولوژیک)
- هزینه های درمانی تحمیل شده به نظام سلامت
- روندهای اپیدمیولوژیک در مناطق مختلف کشور

• نمونه های دارای اولویت:

- بیماری های غیرواگیر (دیابت، سرطان، فشارخون، بیماری های قلبی عروقی)
- سلامت روان (افسردگی، اضطراب، خودکشی)
- بیماری های عفونی نوپدید و بازپدید (سل مقاوم، کووید-۱۹، تب کریمه)

ب) نیازهای فناورانه صنعت سلامت:

• شناسایی شکاف های فناوری در حوزه هایی مانند:

- تولید داروهای حیاتی، واکسن ها و مواد اولیه دارویی
- تجهیزات پزشکی وارداتی دارای امکان ساخت داخلی
- ابزارهای تشخیص سریع بیماری های واگیر و غیرواگیر
- توسعه زیرساخت های سلامت دیجیتال و پزشکی از راه دور

• مثال:

- اگر صنعت به کیت‌های تشخیصی سریع برای عفونت‌های تنفسی نیاز دارد، این موضوع به‌عنوان اولویت پژوهشی به جامعه علمی اعلام می‌شود.

(ج) انطباق با اسناد توسعه‌ای و ملی:

- بررسی اسناد بالادستی شامل:
 - سند چشم‌انداز ۱۴۰۴
 - برنامه‌های توسعه سلامت
 - نقشه جامع علمی کشور
 - سیاست‌های کلی علم و فناوری ابلاغی مقام معظم رهبری

• مثال:

- اگر در سند ملی، «سلامت هو شمند» به‌عنوان محور توسعه شناخته شده باشد، پروژه‌های مرتبط با هوش مصنوعی، اینترنت اشیا پزشکی و سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری بالینی در اولویت قرار می‌گیرند.

۲-۲-۳- روش انتشار و مخاطبان:

فرمت انتشار:

- نسخه چاپی رسمی برای سیاست‌گذاران و دانشگاه‌ها
- نسخه دیجیتال تعاملی با قابلیت جستجو، فیلتر، و لینک‌دهی به پایگاه داده‌ها

مخاطبان کلیدی:

- دانشگاه‌های علوم پزشکی و مراکز تحقیقاتی
- کمیته‌های اخلاق و تخصیص اعتبار پژوهشی
- شرکت‌های دانش‌بنیان حوزه سلامت
- دستگاه‌های اجرایی و نهادهای تصمیم‌گیر

۲-۳- شاخص نیاز پژوهشی ملی (NRNI)

۱-۲-۳- تعریف:

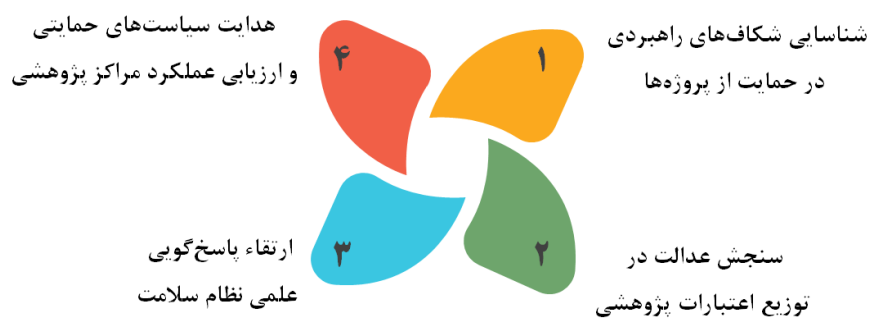
شاخص نیاز پژوهشی ملی (National Research Needs Index) ابزاری تحلیلی است که برای ارزیابی میزان انطباق فعالیت‌های پژوهشی کشور با نیازهای واقعی سلامت طراحی شده است. این شاخص به تصمیم‌گیران کمک می‌کند تا اثربخشی سیاست‌گذاری پژوهش را پایش و اصلاح نمایند.

۲-۳-۲- مؤلفه‌های کلیدی



شکل ۵- مؤلفه‌های کلیدی شاخص نیاز پژوهشی ملی

۲-۳-۳- کاربردها:



شکل ۶- کاربردهای شاخص نیاز پژوهشی ملی

۲-۳-۴- نقش خروجی‌ها در ارتقاء اثرگذاری اجتماعی تحقیقات سلامت

خروجی‌های کلیدی واحد، شامل «گزارش سالانه اولویت‌های پژوهشی» و «شاخص ملی نیاز پژوهشی (NRNI)»، نقشی حیاتی در جهت‌دهی نظام پژوهش سلامت به‌سوی اثربخشی اجتماعی ایفا می‌کنند. این خروجی‌ها از سطح اسناد نظری فراتر رفته و به ابزاری عملیاتی برای تحقق مأموریت‌های اجتماعی علم بدل می‌شوند. مهم‌ترین ابعاد اثرگذاری آن‌ها به شرح زیر است:

۲-۳-۵- شفاف‌سازی و نظام‌مند کردن اولویت‌گذاری پژوهش‌ها:

با ارائه معیارهای دقیق برای شناسایی نیازهای واقعی، از پراکندگی تحقیقات در حوزه‌های کم‌اثر یا تکراری جلوگیری می‌شود. این شفافیت موجب انسجام راهبردی در سطح دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی می‌گردد.

۲-۳-۶- هدایت هدفمند منابع مالی و انسانی:

تخصیص بودجه‌های پژوهشی بر اساس گزارش سالانه اولویت‌ها و شاخص NRNI، موجب افزایش بازده سرمایه‌گذاری علمی می‌شود و اطمینان می‌دهد که منابع به حوزه‌هایی با بیشترین نیاز و بیشترین ظرفیت اثربخشی اختصاص می‌یابد.

۲-۳-۷- تقویت تعامل علم و صنعت سلامت:

شرکت‌های دانش‌بنیان، تولیدکنندگان دارو و تجهیزات پزشکی، و بازیگران بخش خصوصی می‌توانند از طریق گزارش‌های سالانه نیازهای فناورانه خود را با جامعه علمی به اشتراک بگذارند. این ارتباط دوسویه زمینه‌ساز تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی و حل مسائل واقعی صنعت خواهد بود.

۲-۳-۸- افزایش پاسخ‌گویی اجتماعی نهادهای علمی:

با تعریف و سنجش شاخص‌هایی نظیر NRNI، امکان ارزیابی میزان تطابق تحقیقات با نیازهای جامعه فراهم می‌شود. این امر موجب افزایش مسئولیت‌پذیری نهادهای علمی در برابر مردم و سیاست‌گذاران خواهد شد.

۲-۳-۹- عملیاتی شدن حکمرانی پژوهش سلامت:

این خروجی‌ها واحد را از یک ساختار صرفاً مشورتی یا نظری به یک «بازوی اجرایی سیاست‌گذار در نظام ملی سلامت» تبدیل می‌کنند که قادر است تحولات راهبردی را در پژوهش‌های سلامت‌محور هدایت کند.

۲-۴- نتیجه‌گیری

تأسیس «واحد اثرگذاری اجتماعی پژوهش» گامی بنیادین در جهت نهادینه‌سازی رویکرد «علم در خدمت جامعه» در نظام سلامت کشور است. این واحد با تلفیق داده‌های پژوهشی، اولویت‌های جامعه، اسناد ملی و نیازهای صنعت، نقش تسهیل‌گر میان علم و عمل را ایفا می‌کند.

کارکردهای اصلی این واحد شامل نیازسنجی نظام‌مند، جهت‌دهی به تحقیقات، ارزیابی اثربخشی اجتماعی و تقویت مشارکت ذینفعان است. در نهایت، این ساختار می‌تواند با استفاده از فناوری‌های نوین و تقویت زیرساخت‌های داده‌محور، نقش کلیدی در تحقق توسعه پایدار، افزایش عدالت در سلامت و بهبود کیفیت زندگی ایفا نماید.